

رابطه سبک زندگی با هویت و ارزش ها

مطالعه رابطه میان ارزش‌ها، هویت و سبک زندگی، لازم است همواره به یاد داشته باشیم، که هویت یک سیستم پیچیده از روابطی است، که میان مفاهیمی مانند فرد کیست و یا رابطه او با دیگر افراد و فرهنگ‌ها چگونه است؟ تعریف می‌شود.



خبرگزاری مهر-در مطالعه رابطه میان ارزش‌ها، هویت و سبک زندگی، لازم است همواره به یاد داشته باشیم، که هویت یک سیستم پیچیده از روابطی است، که میان مفاهیمی مانند فرد کیست و یا رابطه او با دیگر افراد و فرهنگ‌ها چگونه است؟ تعریف می‌شود. هویت افراد در یک جامعه از طریق سبک زندگی انتخابی آنها تولید و بازتولید می‌شود. این سازوکار بیش و پیش از هر چیز، از خلال درونی کردن رفتارها و باورها، در ظرف روزمرگی عمل می‌کند. بدین ترتیب افراد و گروه‌ها اغلب به صورت نا آگاهانه و بدون اینکه نیازی به فشار بیرونی باشد، همان گونه رفتار می‌کنند که باید! و از این طریق سیستم موجود را دائماً و در هر لحظه بازتولید می‌کنند. هر اندازه این سازوکارها درونی‌تر شود، سیستم تضمین بیشتری برای تداوم خود دارد و بر عکس هر اندازه به جای درونی شدن از سازوکارهای قدرتمندانه و بیرونی-برای نمونه از یک سیستم کنترل و الزام اجتماعی برای تحمیل یک شیوه زندگی خاص- استفاده شود، سیستم شکننده‌تر، تداوم آن ضعیف‌تر و واقعیت آن سطحی‌تر می‌شود. در برخی موارد، حکومت‌ها با مشروعیت دادن به برخی سبک‌های زندگی، سبک‌های دیگر را زیرزمینی می‌کنند.

وقتی این اتفاق می‌افتد، افراد جامعه دچار چندگانگی می‌شوند. لازمه زندگی در چنین محیطی تفکیک در حوزه زندگی خصوصی و رفتار عمومی است. افراد برای اینکه میان علایق خود و انتظارات محیط تعادل برقرار کنند، هویت‌های متکثر و چندگانه و حتی گاهی متضاد را بر می‌گزینند.

امروزه نظام‌های اجتماعی اغلب از طریق سبک‌های زندگی تولید و باز تولید می‌شوند. سیستم جهانی به خاطر بدست آوردن سود سرشار، تمایل به کالایی کردن شدید سبک‌های زندگی دارد. کالاهای هویتی در بازار مصرف ارائه می‌شوند و متعاقب آن هویت‌های وابسته به این بازار و سبک‌های زندگی که ارائه می‌دهد، تولید و بازتولید می‌شوند. یعنی هویت‌ها در جستجوی تولید و بازتولید خود، نیازهای بازار به کالاهای هویتی را افزایش می‌دهند. این کالاها در ظاهر لایه‌های سطحی جامعه را هدف گرفته‌اند، در حالی که لایه‌های درونی و هویتی افراد نیز از این روند تأثیر بسیار می‌گیرند.

ارزش

مهمترین مفهومی که با مفاهیم هویت و سبک زندگی ارتباطی تنگاتنگ دارد ارزش است. ارزش یکی از مؤلفه‌های بنیادین فرهنگ به حساب می‌آید. چرا که فرهنگ از ارزش‌های اعضای یک گروه هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی که تولید می‌کنند، تشکیل می‌شود. به صراحت می‌توان گفت، که سبک‌های زندگی مرسوم در جامعه، یک جنبه از فرهنگ آن جامعه را شکل می‌دهند. بنابراین، درواقع ارزش، مفهوم بنیادین سبک زندگی است. و می‌توان گفت، که سبک زندگی فرد بازتابی از ارزش‌های فرد و هنجارهایی است که به این ارزش‌ها مربوط می‌شوند. ولی ارزش درواقع مفهومی پیچیده است، که برای اینکه بتوان سبک زندگی را به درستی مورد تحلیل قرار داد، باید تمایزات مفهومی در این زمینه، به خوبی تعریف و شفاف شوند. بدین منظور در اینجا میان سه سطح مفهومی متفاوت سبک زندگی، از منظر ارزش، تمایز قائل می‌شویم. این سه سطح عبارتند از: سطح ارزش، سطح نگرش و سطح عمل.

سطح ارزش از ایده‌های کلی‌ای در مورد شرایط و کیفیات مادی، زیبا شناختی، اخلاقی و متافیزیکی تشکیل شده است. این ایده‌ها تقریباً توسط فرد و در سطح نگرش در یکدیگر ادغام می‌شوند. نگرش‌ها نیز در حالات مختلف از اعمال و رفتار وی آشکار می‌گردد. ارزش‌ها به طرق گوناگون و با رویکردهای متفاوتی دسته بندی شده‌اند، که هرکدام از انواع این ارزش‌ها به یک نوع اعمال و نگرش منتهی می‌شوند. تفاوت میان ارزش‌ها در میان افراد یک جامعه را می‌توان از سه رویکرد مختلف مورد بحث قرارداد. رویکرد طبقه و موقعیت مدار، رویکرد جنسیت و رویکرد ارزش‌های انسانی.

رویکرد طبقه شاید مهمترین و مسلط ترین رویکرد در میان ادبیات جامعه شناسان در مورد فرهنگ عامه و سبک‌های زندگی باشد. نتایج تجربی در این زمینه نشان می‌دهد، که طبقه و تحصیلات، عوامل مهمی در جهت حفظ و گسترش سبک زندگی به حساب می‌آیند.

لازم به ذکر است که برخی سلاقی و الگوهای رفتاری با برخی طبقات و یا درجات تحصیلی خاص و یا هردوی آنها در رابطه هستند. بنابراین، سطح تحصیلی و پیش زمینه طبقه‌ای، باعث بوجود آمدن یک سلیقه خاص (برای مثال درمورد نحوه گذران اوقات فراغت) می‌شود. اگر چه طبقه و سطح سواد تعاریفی در مورد سبک‌های زندگی به ما می‌دهد، اما این متغیرها برای یک تعریف جامع و کامل

کافی نیستند. البته نمی‌توان متغیرهای مهمی چون سن و جنس را نیز نادیده گرفت.

تمام تفاوت‌های موجود در الگوهای رفتاری افراد، به نوعی به ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های ارزشی افراد مرتبط می‌شوند. ارزش‌های مورد قبول فرد از طریق والدین و دوستان در مدرسه و یا محل کار و همین‌طور از طریق دیگر نهادهای اجتماعی-مانند رسانه- طی مراحل مختلف فردی سازی و اجتماعی سازی، به فرد منتقل می‌شود.

تمام افراد جامعه به مرور زمان و متأثر از روند جامعه پذیری یاد می‌گیرند، که به عنوان عضوی از اعضای جامعه رفتار کنند و ارزش‌های متعلق به آن جامعه و فرهنگ را دقیقاً مشابه دیگر اعضای شبکه اجتماعی در هم ادغام کنند. روند جامعه پذیری باعث می‌شود، افراد یک جامعه مشابه هم شده و در طول زندگیشان از ارزش‌های مشترکی پیروی کنند. این روند به شکل دهی فرد در زندگی کمک می‌کند. به این مفهوم که هویت فردی و اجتماعی، کاملاً فرد محور نبوده و کارکرد آن از موقعیت فرد در جامعه و رابطه آن با دیگر افراد جامعه،- با موقعیت اجتماعی مشترک و یا متفاوت- تعریف می‌شود.

برای درک ارتباط میان هویت و ارزش به مطالعات ارزشمند¹⁷¹؛ میلتنون روکیچ¹⁷¹؛ در این زمینه مراجعه می‌کنیم. بنا به گفته¹⁷¹؛ روکیچ¹⁷¹؛ ارزش، عقیده یا باور نسبتاً پایداری است که فرد با تکیه بر آن یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی را، که شخصی یا اجتماعی است، به یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی که در نقطه مقابل حالت برگزیده قرار دارد، ترجیح می‌دهد.¹⁷¹؛ روکیچ¹⁷¹؛ بر این باور است که ارزش‌ها به انسان‌ها آموزش داده می‌شوند و پس از یادگیری، آنها در درون یک نظام ارزشی سازمان می‌یابند، که هر ارزش در آن نظام بر اساس رابطه‌اش با ارزش‌های دیگر مرتب می‌شود.

ارزش‌ها می‌توانند برای هر فرد کارکردهای مختلفی داشته باشند. آنها استانداردهای رفتاری ما را شکل می‌دهند و در تصمیم‌گیری به ما کمک می‌کنند. برای مثال ارزش‌ها در بازنمایی و معرفی ما به دیگران، در مقایسه‌ای که نسبت به اعمال و اهداف مختلف داریم، تلاشی که در جهت اثرگذاری بر روی دیگران، در فرموله کردن نگرش‌هایمان در ارزیابی و نکوهش دیگران و غیره به ما کمک می‌کنند. تئوری¹⁷¹؛ روکیچ¹⁷¹؛ در مورد ارزش با فرضیاتی در مورد طبیعت انسانی بسط داده شد. وی بر این باور بود که هر فرد به طور نسبی ارزش‌هایی دارد که اهمیت ویژه‌ای برایش دارد.